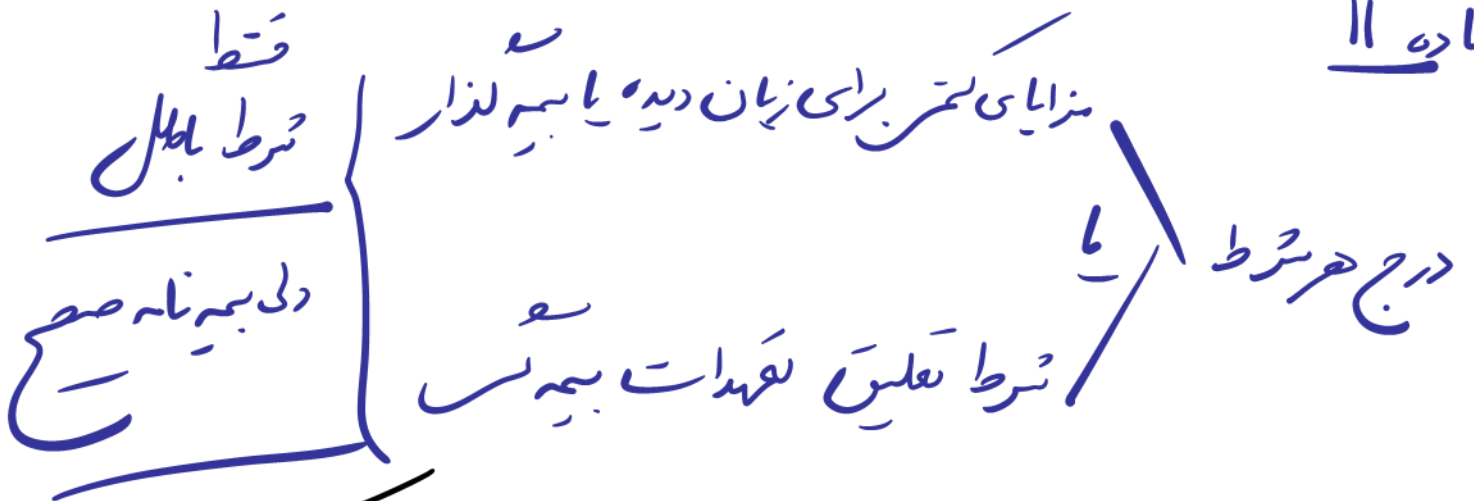


در زدن مانع ممنوع

(مانع بیمه اجباری)

ماده ۱۱



اخذ رضایت از زیان دیده مبنی بر رضایت به پرداخت کمتر

کوتاه یا کمتر
لاصندوق تأمین - ممنوع و بلا اثر

در موارد زیر، بیمه بر ملک ضارت زبان دیده را بدون هیچ شرط و تعین

پرداخت کند - بعدی نتواند به راسته مسبب حادثه رجوع کند
(بازیات)

زبان دیده
تلف است

① اثبات عمد راننده مسبب حادثه نزد مراجع قضایی

② رانندگی در حالت مستی استعمال مواد مخدر، روانگردان مؤثر در وقوع حادثه

③ راننده فاقد گواهینامه مناسب باشند ^{املا ندارد} / ^{استاندارد} متناسب نیست .

④ راننده مسبب حادثه ^{در نتیجه تقلید رانندگی کردن} / ^{یا} از سرورده بودن آن آگاه

(استاندارد واقعی) - در علم سند لازم الاجرا
کثرت بیمه

رُای دعت رویه به شُرت بیمه کللیتی به برداشت خسارت
به راننده مسبب حادثه فائده کوایناسه ندارد.

زبان دیده به خود راننده مسبب حادثه.

ماده ۱۷ نه بیمه‌ی دعت نه صندوق تأمین

① خسارت وارده به وسیله قلیه مسبب حادثه در صورتات آن

② خسارت مستقیم و غیر مستقیم ناشی از تشعُّعات اتمی یا رادیواکتیو

③ جریمه یا جزای نقدی

مُل خدشتی، سَط صَین
در اراد صوره بدنی به خود

④ اثبات فقدان زبان دیده *

اثبات خدعه دَیانی

- براساس قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث، خسارت کدامیک از اشخاص زیر، جبران نخواهد شد؟
- (۱) دارنده وسیله نقلیه مسبب حادثه که با سپردن خودرو به شخص فاقد گواهینامه، سبب بروز حادثه و تحمل زیان بدنی شده باشد. ✗
- (۲) دامدار بی احتیاطی که با رها کردن دامها در جاده عمومی، سبب بروز حادثه به میزان پنجاه درصد شده باشد. ✓
- (۳) زیان دیده‌ای که قصد ایراد خسارت به خود را داشته باشد. ✓
- (۴) سرنشین وسیله نقلیه که خود، مسبب حادثه باشد. ✗

ماده ۱۷

صندوق تأمین خسارات بدنی هم نهاد عمری غیر دولتی
در موارد زیر صندوق مکلف است بدون اخذ تعین از ^{زیان دیده} / ^{راشته مسبب حادثه}
خسارت زیان دیده را پرداخت کند

① ندانستن، اشتباهی، اطلاق بیمه نامه

صندوق تأمین می‌دهد ولی مکلف است
به راننده مسبب حادثه رجوع کند بازایات
کند

② تعلیق یا لغو پروانه یا در سلبی بیمه گر

اول صندوق می‌دهد بعد ملئن است
بیمه گر
بیمه گر آن { رجوع کند

③ تشافه شدن وسیله نقلیه مسبب حادثه

ارل صندوق پرداخت می کنند

بی ارزشافه شدن وسیله نقلیه
به بیمه گر / اگر ماشین است

به راننده مسبب حادثه

اگر ماشین بیمه نیست

ملک است رجوع کنند

④ زبان دیدگان داخل وسیله نقلیه به بیش از ظرفیت مجاز

ماه التناوت را صندوق تأمین می دهد
بعد ممکن است به راننده مسبب حادثه رجوع کنند
و بازبابت کنند

⑤ زبان دیدگان خارج از وسیله نقلیه به بیش از ظرفیت بیمه گر (بیشتر از اتومبیل)

ماه التناوت را صندوق تأمین می دهد

* صندوق نمی تواند به راننده مسبب حادثه رجوع کند

۱۵۸ تائون بکرات

ستادین غنائی نه

باجمع سراوا

کارزنگت جرم نیست

① عمل جوی دزنگی شروع باشد

② رضایت زنیه باشد.
 در موارد فوری
 رضایت لازم نیست

③ رعایت نظامات دوازی نئی و علمی

اگر در محالجات دزنگی، خسارتی به بیمار وارد شود سه اصولاً دزنگی
 صحت جبران خسارت

تمام موازین فنی علمی را رعایت کرده باشد

تقصیر نکردن باشد.

که وقتی برائت نمونده - فرضی نقص
 دزنگ باید تاس کند
 بخاند میری فودرا

برائت زنیه باشد و در تکب نقص هم شود

که بیمار باید تاس کند دزنگ نقص کرده

برائت سه بار اثبات نقص را جای گاهی کند.

اگر دانش دستورات پزشکی، ضار است دارد شود.

اصولاً پزشکی محل چنان ضار است

* اگر چهار یا بیشتر بدانند که هم دستور پزشکی اشتباه است
و
بسیار و در ضار است و شود

با این وجود عمل کنند ← پزشکی محل نیست.

*
زائر و دست در

ضار است دارد ضعیف عمل پزشکی

قابل استناد به دارند، صدمه ادلیه نیست

اگر پزشکی تقصیر کند، باشد ← پزشکی هم مسئول نیست.

ضارت وارده از نامه صیوان

صواب صیوان اس تقصیر کردن پاست

صنل بران ضارت

* نگهداری صیوان حی $\rightarrow$ فی نفسه تقصیر است.

~~نگهداری~~ صیوانی به شخص توانایی حفظ آن را ندارد.
فی نفسه تقصیر است.

تقصیر

کدام مورد در خصوص مسئولیت ناشی از نگهداری حیوانات، صحیح است؟

(۱) چنانچه صاحب حیوان از خطر حمله آگاه نباشد، مطلقاً مسئول نیست. ~~X~~

(۲) نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، فی نفسه تقصیر است. ✓

(۳) صاحب هر نوع حیوان، تنها در صورتی مسئول است که تقصیر او در نگهداری از حیوان اثبات شود. ~~X~~

(۴) چنانچه صاحب حیوان از خطر حمله آگاه باشد، مسئول است، مگر اینکه توانایی حفظ حیوان را نداشته باشد.

تقصیر

~~X~~

عقد اجاره

قانون مدنی

قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶

قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۷۶

ماده دهم - سال ۶۵

قانون اجاء ۵۶

↓ هدف سے حمایت از مسافر

غیر از لا مورد کہ در قانون آمده ہے منی شود مسافر را ببردن کرد

مدت تمام شود ہے با منی مسافر عدیدہ شود

سو ببرد مسافر ببرد ہے با در حوالہ سے بیدائی نند

لئے طرق مستقیم و غیر مستقیم

مادہ ۲۰ ہے ہر جوی بخوابی قانون را در بزی

با اثبات در دادگاه ہے باطل دلائل

قانون ۵۶ ہے مخصوص امکان تجارتی

تخصیص قانون حاکم

جایی کہ کارخانہ مادہ ۱ قانون تجارت

در آن انجام شود.

مکان تجارتی نیست

مستحل

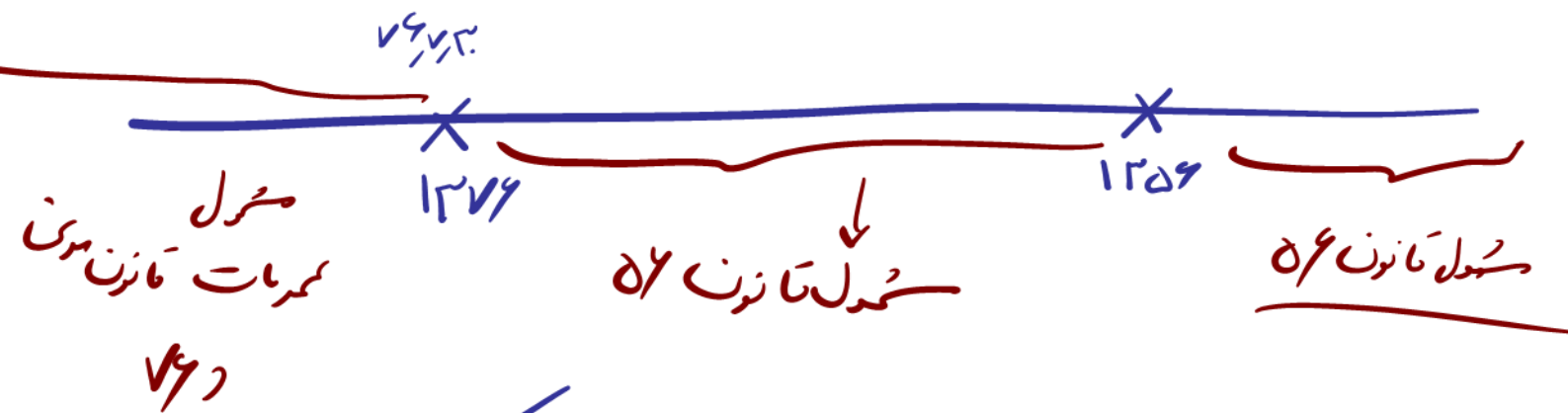
قانون ۵۶

نیست

درست دلیل

صطب رشید

غرضہ ہمارے شرکت ہمارے مافیہ درستی



از وحدت دید - به اولین عقد اجاره نگاہی کنیم
(عقد اجاره، اجاره جدید کسب نمی شود)

سال 1325 ← اجاره نامه رسمی + بدون پیش پرداخت درستی
مستاجر باید در ابقاء مدت معامله کنند.

دواثریت به محل اجرا

در قانون 56 - به هر دو برای مستاجر - حق کسب رهن اجاره شود
به حکم قانون

۲۰- در سال ۱۳۵۷، مالک یک ملک تجاری، آن را به موجب سند عادی برای مدت ۲ سال به شخص دیگری اجاره داده است و در آن قید شده است که حق کسب و پیشه و تجارت برای مستأجر ایجاد نخواهد شد. در این صورت چنین حقی برای مستأجر ایجاد می شود یا خیر؟

(۱) مطابق قانون حاکم بر این اجاره، حتی در صورت سکوت نیز چنین حقی برای مستأجر ایجاد نمی شود. ✗

(۲) ایجاد حق کسب و پیشه و تجارت مطابق قانون حاکم بر این اجاره به صورت آمره ایجاد خواهد شد. ✓

(۳) با توجه به اینکه اجاره نامه، سندی عادی بوده است، حق کسب و پیشه و تجارت ایجاد نمی شود. ✗

(۴) با توجه به توافق طرفین و اصل آزادی قراردادهای، چنین حقی برای مستأجر ایجاد نمی شود. ✗

مسئله قانون ۹۵

وضعیت حقوقی شرط اسقاط حق مستأجر مبنی بر درخواست تجویز انتقال منافع عین مستأجره به غیر، در پرتو قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، از نظر صحت و بطلان، چگونه است؟

(۱) اسقاط حق به صورت جزئی محسوب شده و معتبر است.

(۲) دادگاه با رعایت مصلحت طرفین و سایر شرایط قرارداد اجاره، می تواند حکم به ابطال آن صادر کند.

(۳) در فرض تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم آن در جلوگیری از اجرای مقررات قانون مذکور، با اثبات در دادگاه، باطل و بلااثر خواهد بود. ✓

(۴) در فرض تأثیر مستقیم آن برای جلوگیری از اجرای مقررات قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، خودبه خود و بدون نیاز به مداخله دادگاه، باطل تلقی می شود.

هر صوری مجاز است مانع را هرگز نبند

با اثبات در دادگاه باطل رد است

مسئله ۵۹

مغازه‌ای در سال ۱۳۶۴، برای مدت سه سال به اجاره واگذار شده است. در اجاره‌نامه شرط شده است که مستأجر شخصاً از مورد اجاره استفاده کند. پس از گذشت دو سال، مستأجر فوت می‌کند. قرارداد اجاره چه وضعی دارد؟

- (۱) اجاره با فوت مستأجر، منفسخ می‌شود.
- (۲) با فوت مستأجر، عقد اجاره باطل می‌شود.
- (۳) ادامه رابطه استیجاری با ورثه مستأجر، منوط به تنفیذ موجر است.
- (۴) رابطه استیجاری، بدون موافقت موجر، نسبت به ورثه مستأجر استمرار خواهد داشت.

ماده راصده سال ۶۵

«الف» ملک تجاری خود را در سال ۱۳۶۶ به موجب سند رسمی و بدون دریافت سرقفلی و پیش‌پرداخت، به مدت ۳ سال به «ب» واگذار می‌کند و «ب» متعهد می‌شود در سررسید اجاره، نسبت به تخلیه مورد اجاره اقدام نماید. با توجه به فرض مذکور، کدام مورد صحیح است؟

(۱) موضوع مشمول قانون ۱۳۵۶ است و به دلیل مغایرت توافق برای تخلیه با ماده ۳۰ قانون مذکور که کلیه طرق مستقیم و غیرمستقیم به منظور جلوگیری از اجرای مقررات آن قانون را باطل و بلااثر دانسته است، تخلیه امکان‌پذیر نیست.

(۲) با توجه به شمول قانون ۱۳۵۶ به موضوع، انقضای مدت از موارد تخلیه نیست و الزام به تخلیه بدون تحقق موجبات تخلیه مندرج در قانون مذکور، مسموع نیست.

(۳) در فرض عدم تمديد در سررسید، مستأجر مکلف است مورد اجاره را تخلیه نماید.

(۴) موجر، به شرط پرداخت حق کسب و پیشه مستأجر، حق تخلیه خواهد داشت.

ب) ^{آورد} بدون پرداخت قسب دهنی - قبل از انتصاب مدعی
نکته ممکن است

① نقدی و تلفی در عین مسأله (مورد اجاره)

② تفریق نقل به منفی نه عنا ما به باشد به بدون ضمانت باشد

③ عدم پرداخت اجاره بها معبر می رود دفترخانه ^{تعلیم شد} / نزد مدعی

دفترخانه احتیاطی دسد به شجر بیا اجاری معوق را بدو

از هم نداد به حق نسخ و عملیه برای سرور

(فقط یک بار ارفاق به صاحب)

از مسأله قبل از صدور رای (اجاره بهای معوق + هزینه بها + ۲۰٪)

مبعد به دادگاه حکم تخلیه نمی دسد

ج) تخلیه با پرداخت نصف حق کب رهن - قبل از انقضای مدت
ممکن است

انتقال به غیر (هرجوری) - اگر غیر از ۲ مورد زیر

این حق در عقد اجاره به اوداده شده
درمان ۵۲ - مستأجر اصولاً حق انتقال به غیر ندارد اگر کتباً از سوی اذن مدین
ماده ۱۹ - همچنین انتقال منافع در سطوح دادگاه

- با توجه به قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، کدام مورد صحیح است؟
- (۱) مستأجر حق دارد شغل مقرر در اجاره نامه را به شغل با ضرر کمتر تغییر دهد.
 - (۲) تغییر شغل به شغل مشابه، ولو با ضرر بیشتر، رأساً از سوی مستأجر امکان پذیر است.
 - (۳) تغییر شغل به درخواست مستأجر، به هرگونه شغل مشروع، با تجویز دادگاه امکان پذیر است.
 - (۴) مستأجر می تواند با پرداخت حق مالکانه متعارف، ولو بدون رضایت مالک، شغل مقرر را با تجویز دادگاه تغییر دهد.

در عینا مشابه
نیاز به رضایت مالک ندارد

تفیرِ غل
مارن ۵۲

عناصرا

واللہ صمّ مغمّ علیہ لری مہج

لَقَدْ دَنَفَرُوا فِي رَعِي مَأْجَرٍ

مانون ۲۷

فَضْلُكَ عَلَيْنَا

بدون پرداخت مکتبہ

کائنات میں

قانون ۷۶

ازمیت ضرر

تعمیراتی

(بیشتر ناپسند)

والله

اول مصفوع

پلے روم - صفحہ ۱۸

ماتون مدنی

V4

سَلِّ مَا تَوْفِیْهِ

اول منع

منفع ترتر بود ہے حق صغ

مانون ۲۷

فَضْلُكَ عَلَيْنَا

بدون پرداخت مکتبہ

انتقال بہ عمر

درمان مری د ۷۶

درمان ۵۶

سُجَرِ امولاقِ انتقال

بہ غیر دارد در شرط حذف

سُجَرِ امولاقِ انتقال بہ غیر ندارد

این حق در عند اجارہ ہ اودادہ ہ

مگر تبا از سو جازن ہ

تکبیر انتقال مانع
نوسخہ داگاہ

حزینہ ساء بقرات

والذاری = انتقال جاگاہ زار داری
بدن رضایت طرف مقابل امکان پذیر
نیست چہ مانون مری
د ۵۶

درمان مری د ۷۶

درمان ۵۶

همہ حزینہ ساء با صو

(الکان
انتناع)

لی داسی ہ با صو

حزینت ہ با ساج

ہے ہمہ با ساج

حزینہ ساء لکمال انتناع

بنابر عمومات قانون مدنی، مستأجر می تواند کدام اقدام زیر را انجام دهد؟

(۱) می تواند رابطه استیجاری را به مستأجر دیگر واگذار کند و شرط خلاف، امکان پذیر نیست. ✓

(۲) نمی تواند رابطه استیجاری را به مستأجر دیگر واگذار کند، مگر با اذن موجر ✓

(۳) نمی تواند رابطه استیجاری را به مستأجر دیگر واگذار کند، مگر آنکه از دادگاه چنین تجویزی را دریافت نماید. ✗

(۴) می تواند رابطه استیجاری را به مستأجر دیگر واگذار کند، مگر آنکه در اجاره شرط خلاف شده باشد. ✗

سرقطی = درمان ۷۶ ماده

درمان ۵۶ = نہا حق مالی مستأجر = حق آب و سیر

به حکم قانون

تایید می توانست -

سرقطی = باید مال غیر منقول نسبی

بدون قرارداد اجاره = معنی ندارد

سرقطی درمان ۷۶
(مخصوص مکان تجاری)

در قرارداد اجاره

نوع اول = موجر اول سهم الله = می تواند مبلغی تحت عنوان سرقطی

از مستأجر بگیرد تا در موقع تخلیه به نرخ عادله روز پس بدهد

کارشناس

مستأجر می تواند اصولاً سرقطی را به غیر مستقل کند مگر شرط خلاف

کوناق

مَنَاجِرِ کَرَانْدَ بَرای اسقاطِ حَقِّی از خود

صلاتی تحت عنوان سرفصلی

مَنَاجِرِ جَدید

ع
میرزا

درم

سوم

چهارم

مَنَاجِرِ اِطْلَاقِ سَمِ اللّهِ بُولِی نَدَاة

مَنَاجِرِ اِطْلَاقِ اَشْيَاء (اسرار) -

اجاره - مَنَاجِرِ اِطْلَاقِ اشخاص - مَنَاجِرِ

اجاره صیران

اجارہ احوال ہے تَمْلِکِ مُنَافِع بہ عوضِ معلوم
برای مدت عین

موجب

مستاجر ہے اجارہ ہا ہر دہد ، مالکِ منافع ہر سود برای مدت معلوم

مال الاجارہ ہے اجارہ ہا

عین مستاجر ہے سررد اجارہ خانہ رہائش

موجب ہے مالکِ عینِ بابتد

یا
صدائق مالکِ منافع بابتد

اجارہ مال للی صحیح است

یقین صدقات ہے باوجود

(سہم خردم) اجارہ مال شائع ہے صحیح است
↓ دی گزیرل دادن ہے نیاز بر رفاقت ہے شرکا

اجارہ مال سو کوئے اصولاً صحیح

واقف منقرضہ ہائند
لا طر

حقار ہائیت واقف

در عقد اجاره مدت باید تعیین شود و الا اصولاً عقد اجاره باطل

استثناء
اجاره مازر شمول ۵۶
اجاره مازر مرضاتی (از خراب)

در عقد اجاره، اجاره بها باید تعیین شود

و الا عقد اجاره اصولاً باطل

استثناء: اجاره مازر شمول ۵۶

